

باقی سمندر

کابل - افغانستان

ماه حمل 1393 خورشیدی

یکم اپریل 2014 میلادی

دوستان گرامی سلام و درود بر شما

در این سرزمین خاک و خون کشیده شده - نفس انتخابات گامیست به پیش. بگذار مردم این بار باز هم در انتخاب نمودن فرد مطلوب و مورد نظر خود مرتکب اشتباه شوند و بار دگر پنج سال بعد کمتر اشتباه خواهند کرد.

نسل های بعدی از این اشتباهات می آموزند و کمتر اشتباه خواهند نمود.

انتخابات مانند رفتن به مکتب است و بایست در مکتب یاد گرفت . من به روز انتخابات رای میدهم ..

در اینجا و در فغان ستان بسا از مکتب رفته گان از شهر وند بودن و حقوق شهروندی گپ زده اند و اینک میبینم که این واژه شهروند کلمه دهن پر کن است و بس. دیده میشود که بسا از افرادی که خواهان حق شهروندی اند در این شب و روز در پشت کوهان اشتر قوم و قبیلہ چسپیده اند و محل شان لنگان لنگان بسوی بادیه بدویت قبیلوی برده میشود . دموکراسی و شهروند بودن و حق و حقوق شهروندی فقط شعارهای دهن پر کن است و بس. ممکن این انتخابات گامی بسوی دولت شدن باشد اما از ملت شدن فرسخ ها فاصله دارد. کمتر دیده میشود که در پشت شعارها و وعده های نامزدان ریاست جمهوری و یا شوراهای ولایتی منافع طبقاتی را ببینند. نخبگان طبقه حاکم با تمام طول و عرضش با نامزدان گوناگون خود را در پشت افراد یک قبیلہ پنهان ساخته و چنان می پندارند که گویا زندگی بدوی جاویدانه خواهد بود. به نظر من سفاهت خواهد بود هرگاه افکار و

امیال طبقاتی را در میان این همه نامزدان نادیده بگیریم. دلم به حال مکتب خوانده هایی میسوزد که به خاطر نان و یا نام و نشان و روابط شان به هیچ اصولی پایبند نیستند. من بر ای فردا ها می اندیشم و نسل فردا در باره همه ما داور بیرحم خواهد بود. من به کودکان خیابانی که برده گان قرن بیست و یک در این سرزمین اند بسیار ارج قایلم تا مکتب رفتگان قبیله گرا و قوم پرست. افغانستان فردا - افغانستان ملیونها جوانی خواهد بود که هویت خود را از میان زباله های قومی و قبیله‌ای جستجو خواهند کرد.

دوستان گرامی

بزودی روز رای دادن به افراد و نامزدهای مطلوب و یا مورد نظر بیشتر از ده میلیون رای دهنده در سر زمین به خاک و خون کشیده شده ای ما فرا میرسد.

اکثریت انسانهای این سرزمین به صورت عام تا هنوز ارزش رای خود را چنانچه شایسته و بایسته است نمیدانند از همینرو نامزدان ریاست جمهوری رای شان را با یک بوجی آرد یا یک شکم پلو میخرند و تاهنوز خرید و فروش رای ادامه دارد.

همچنان بازار تبلیغات برای نامزدان قومی گرم است. در میان نامزدان دیده میشود که افراد یک قبیله خاص خود را دارای فر جمهوری میدانند و روسای قبایل دگر خود را خدم وحشم درجه دو و سه و چهار میدانند و از مردم هم دعوت مینمایند تا این تفاوت قبیله‌ای را رسمیت ببخشند. برخی از مکتب خوانده ها هم در صف رقابت های قومی قلمقرسای مینمایند و یا با زبان و ایما و اشاره بازار قوم بازی را گرم ساخته اند.

در سوی دگر دولت های اسلام آباد و تهران و کشورهای دیگری انتخابات را به بن بست میکشانند تا ریاست جمهوری بعدی افغانستان از مشروعیت واقعن موجود برخوردار نگردد.

طالبان و شرکا بزور تکفیر و باروت و تفنگ و توپ و راکت انتخابات را به خاک و خون می کشانند تا ملا محمد عمر اخند را برای بار دوم امیر المومنین خود سازند و باز ریش من را اندازه گیرند و بازار امر به معروف و نهی از منکر را گرم تر سازند.

باوجود همه این گپ ها در این سرزمین بخاک و خون کشیده شده - نفس انتخابات گامیست به پیش. بگذار مردم این بار باز هم در انتخاب نمودن فرد مطلوب خود مرتکب اشتباه شوند و بار دگر پنج سال بعد کمتر اشتباه خواهند کرد. نسل های بعدی از این

اشتباهات می آموزند و کمتر اشتباه خواهند نمود. انتخابات مانند رفتن به مکتب است و بایست در مکتب یاد گرفت . من به روز انتخابات رای میدهم.



افغانستان فردا - افغانستان مليونها جوانی خواهد بود که هویت خود را از میان زبانه های قومی و قبیله‌ای جستجو نخواهند کرد.